

بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر نگرش جوانان به ازدواج سفید

بهرام نیک بخش^{۱*} ریاض ساکی

۱. استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران riazsaki59@gmail.com

* نویسنده مسئول، رایانامه: بهرام نیک بخش

nikbakhsh@pnu.ac.ir

bahram nikbakhsh*¹ Riaz Saki 2

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Payame Noor University, Tehran, Iran
2. MA student, Department of Sociology, Faculty of Social sciences, Payam noor University, Iran

*Corresponding Author,
Email: nikbakhsh@pnu.ac.ir

چکیده

جوانان به عنوان سرمایه‌های انسانی جامعه محسوب می‌شوند و شناخت وضعیت آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. ازدواج سفید از جمله مسائلی است که در یک دهه اخیر بین جوانان مشاهده می‌شود. هدف اصلی این پژوهش تحلیل جامعه شناختی دیدگاه جوانان نسبت به ازدواج سفید است. روش پژوهش پیمایشی و جامعه‌ی آماری شامل جوانان ۲۰ الی ۳۵ ساله شهرستان سوسنگرد بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول مورگان و گرجی ۳۸۴ نفر محاسبه شد و نمونه با شیوه‌ی خوشه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم نمونه انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق ساخته است. نتایج تحلیل چند متغیره پژوهش نشان داد که، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، دینداری و متغیرهای زمینه‌ای با متغیر نگرش به ازدواج سفید مرتبط بوده است، بطوری که هرچه سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی افراد بالاتر باشد، دارای نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج سفید بودند. همچنین، بین میزان پایبندی به شعائر دینی و نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید رابطه معنادار و منفی وجود داشت و هرچه پایبندی افراد به اعتقادات و باورهای مذهبی بیشتر باشد، دارای نگرش منفی‌تری نسبت به ازدواج سفید بودند. متغیرهای تحصیلات، جنسیت و وضعیت تأهل دارای رابطه معنادار با نگرش به ازدواج سفید هستند؛ بطوری که پاسخگویان مرد، افراد مجرد و جوانان دارای مدارک تحصیلی بالاتر، دارای نگرش مثبت نسبت به ازدواج سفید بودند. نتایج معادلات ساختاری (PLS) نشان داد که در معادله‌ی رگرسیون، ۳۵/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین گردید.

واژگان کلیدی: ازدواج سفید، جوانان، سرمایه فرهنگی و اجتماعی، شعائر دینی، نگرش.

مقدمه و بیان مسأله

خانواده به عنوان سنگ زیر بنای جامعه و تنها نهاد اجتماعی است که رسماً در همه جوامع پذیرفته شده است. ازدواج اولین گام در جهت تشکیل خانواده و تکامل جامعه بزرگ انسانی است و می‌تواند نقش بسزایی در سرنوشت جهان بشری داشته باشد (کریمی، ۱۳۸۸: ۳۴). در این خصوص، جامعه ایرانی در حال تجربه مدرنیته است. در عصری که تغییر و تحولات و گسترش فناوری این چنین به سرعت در حال افزایش است، نمی‌توان تأثیر پیامدهای آن را در تمام ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی نادیده گرفت. یکی از پیامدهای مدرنیته در جامعه‌ی کنونی ایران پیدایش سبک‌های گوناگون در مناسبات میان مرد و زن از جمله ازدواج سفید است.

سبک زندگی به دلیل بدیع بودن آن در ایران هنوز ناشناخته مانده و مطالعات علمی و دقیق بر روی آن کم شمار هستند. به همین منظور در پژوهش حاضر، نگرش جوانان نسبت به این پدیده‌ی نوظهور مورد بررسی قرار گرفت. چرا که گرایش به ازدواج سفید و گسترش آن می‌تواند آسیب‌های بسیار مهلکی به فرد و پیکره جامعه بزند. به خصوص اینکه، در چند دهه اخیر الگوی روابط جنسی در جهان تغییرات فراوانی داشته و اکنون نیز جامعه ایران با تحولات چشمگیری در حوزه ارزش‌ها و باورهای جوانان روبروست.

به بیان جامعه‌شناسانه، امروزه، گروه‌های مختلف مردم می‌توانند شیوه‌ی زندگی خود را تا حدودی آنچنان که می‌خواهند، برگزینند (فرهمنده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). انتخاب و بازاندیشی در سبک‌های مختلف زندگی و ارتباطات اجتماعی آنچنان که افراد یا گروه‌ها می‌خواهند، سبب گردید تا پدیده‌هایی نظیر ازدواج سفید که پیش‌تر چندان بروز عینی و آشکار نداشتند امروز به مسئله‌ی اجتماعی تبدیل گردد (رفعی‌پور، ۱۳۸۰: ۳۵).

در این راستا، تفاوت نگرش نسبت به رابطه‌ی جنسی، ریشه در تفاوت موجود در شناسه‌های فرهنگی - اجتماعی و مذهبی جوامع گوناگون دارد. در جامعه‌ی ایرانی با بنیان قوی فرهنگی و سنتی که دین، نقش مهمی در زندگی مردم ایفا می‌کند، تنها رابطه‌ی بین دو جنس را از طریق زوجیت و همسری مجاز می‌داند (فرهمنده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). آنچه که به عنوان ازدواج سفید نام گرفته هرچند در دنیا پدیده‌ی جدیدی نیست، اما در ایران یک شوک فرهنگی به حساب می‌آید. ازدواج سفید در نهادهای دولتی مربوطه یا سازمان‌های دینی ثبت نمی‌شود. در این نوع ازدواج، زن و مرد با هم زندگی می‌کنند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است؛ ولی از لحاظ قانونی زن و شوهر محسوب نمی‌شوند و این یعنی نهایت آسیب به خود فرد بعد از پایان این رابطه (خلج آبادی و مهریار، ۱۳۸۹: ۴۵۱).

ازدواج تنها راه مشروع برقراری رابطه با جنس مخالف در ایران است و اکنون این راه با موانع بسیاری روبه‌رو شده است. بنابراین روابط هم خانگی یا ازدواج سفید در ایران در دهه‌ی اخیر تبدیل به دغدغه‌ای اجتماعی شده است و در کشوری چون ایران که مذهب، یکی از ارکان اصلی خانواده‌ها به شمار می‌رود، این روابط پسندیده و قابل قبول نمی‌باشد. این روابط چون در ایران به صورت پنهانی وجود دارد بسیاری گمان می‌کنند که چون آن را نمی‌بینند پس وجود خارجی ندارد؛ اما نتایج تحقیقات متعدد نشان داده که این روابط سال‌ها وجود دارد (رضانی‌فر و آدیش، ۱۳۹۷: ۱۹۸).

تحقیقات نشان می‌دهند رابطه جنسی پیش از ازدواج در ایران در حال افزایش است. بدیهی است این گونه ازدواج‌ها، آسیب‌های اجتماعی و روانی زیادی برای جامعه، طرفین و خانواده آنان ایجاد می‌کند. به عنوان مثال اگر در روابط میان دختر و پسر مخاطراتی به وجود بیاید حل کردن آن به آسانی نیست. چون، در کشورهایی که در مرحله‌ی گذار از سنت به مدرنیته هستند، هنوز سنت‌ها بر روابط اجتماعی حاکم است و در کشوری چون ایران که مذهب، یکی از ارکان اصلی خانواده‌ها به شمار می‌رود، این روابط پسندیده و قابل قبول نمی‌باشد. این روابط چون در ایران به صورت پنهانی است و آماری از آن وجود ندارد بسیاری گمان می‌کنند که چون آن را نمی‌بینند پس وجود خارجی ندارد؛ اما نتایج تحقیقات متعدد نشان داده که این روابط

سال‌ها وجود دارد و با پیامدهائی نظیر؛ دیررسی ازدواج، رابط جنسی پیش از ازدواج و اضمحلال بنیان خانواده روبرو خواهد بود (رمضانی‌فر و آدیش، ۱۳۹۷: ۱۹۸). بدیهی است این گونه ازدواج‌ها، آسیب‌های اجتماعی و پیامدهای روانی زیادی برای جامعه، طرفین و خانواده آنان ایجاد می‌کند و چون این موضوع یکی از آسیب‌هایی است که ازدواج رسمی جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین بررسی دیدگاه جوانان نسبت به ازدواج سفید و تبیین جامعه شناختی آن می‌تواند گامی عمیق در راستای بررسی این پدیده باشد.

در خصوص اهمیت نگارش پژوهش حاضر می‌توان گفت که، ازدواج سفید پدیده‌ای است که در ایران تقریباً ناشناخته و فاقد آمار قابل استناد است و تحقیقات زیادی در خصوص این سبک زندگی نمی‌توان یافت. بنابراین، پرداختن به این پژوهش می‌تواند گامی در جهت پر کردن حلاء مطالعاتی در این حوزه باشد. چرا که از نظر معیدفر (۱۳۹۳)، درباره‌ی میزان وقوع این نوع از ازدواج‌ها نمی‌توانیم آمار دقیقی ارائه نمائیم (معیدفر، ۱۳۹۳).

با توجه به اینکه جوانان از گروه‌های جمعیتی مهم در موقعیت جامعه هستند؛ بنابراین، به لحاظ مقتضیات فرهنگی - اجتماعی، این امر برای جامعه ایران اسلامی اهمیت بیشتری دارد. بنابراین، ضروری است این سبک از زندگی که می‌تواند مخاطرات جدی برای افراد و جامعه به وجود آورد مورد مطالعه‌ی دقیق قرار گیرد، تا در صورت لزوم اصلاحاتی در قوانین خانواده پدید آید تا این آسیب‌ها به حداقل خود برسند.

بنابراین در پژوهش حاضر، این سوال مطرح می‌شود که، دیدگاه جوانان نسبت به ازدواج سفید چیست؟ عوامل موثر که می‌تواند در بروز شکل‌گیری این نگرش نقش داشته باشد کدامند؟ این رابطه چه پیامدهایی را می‌تواند برای افراد بویژه جوانان داشته باشد؟

ادبیات تجربی و نظری

منظور از ازدواج سفید ازدواجی است که دختر و پسر بدون تعریف رابطه‌ی خود به صورت رسمی و جاری شدن خطبه‌ی عقد دائم، زندگی مشترک خود را زیر یک سقف شروع می‌کنند. وجه تسمیه‌ی این نوع از ازدواج، سفید بودن شناسنامه‌ی دختر و پسر و درج نشدن نام آنها در شناسنامه‌ی یکدیگر است (مینویی، ۱۳۹۳: ۲). در فرهنگ فرانسه ازدواج سفید به طریحی از ازدواج می‌گویند که بدون هدف واقعی پیوند زناشویی است (روننگ^۱، ۲۰۱۴: ۸). اگر بخواهیم معادل ازدواج سفید را در فرهنگ انگلوساکسون معرفی نماییم باید از اصطلاح همباشی نام برد که به رابطه‌ای گفته می‌شود که دو نفر با یکدیگر زندگی می‌کنند و رابطه‌ی عاطفی و جنسی دارند بدون اینکه ازدواج کرده باشند (مک کفرتی^۲، ۲۰۱۱: ۴). با توجه به تعریف مطرح گشته ازدواج سفید در کشورمان می‌توان معادل آن را در فرهنگ‌های دیگر اصطلاح «هم باشی^۳» دانست. اگر بخواهیم این اصطلاح را دقیق‌تر تعریف نماییم می‌توانیم از اصطلاح «همباشی بدون ازدواج^۴» نام برد. رابطه‌ای که به عنوان پیوند بین یک مرد و زن هنگامی که با یکدیگر با مبنای دائمی بودن زندگی می‌کنند؛ بدون آنکه به عنوان ازدواج رسمی ثبت گردد؛ تعریف می‌گردد (بیناروویکا^۵، ۲۰۱۳: ۲).

¹ Roig

² Mc Cafferty

³ Cohabitation

⁴ Non Marital Cohabitation

⁵ Beinaroviča

در نظریه‌ی تضاد ارزش‌ها، چنین فرض شده است که در کار کسانی که از منافع و ارزش‌های خود در مقابل ارزش‌ها و منافع دیگر گروه‌ها دفاع می‌کند، هیچ اشکالی وجود ندارد. عده‌ی زیادی از مؤلفان تضاد گرا اشاره کرده‌اند که مسائل اجتماعی دارای شرایط عینی و تعریف ذهنی‌اند (بخارایی، ۱۳۹۳: ۴۲۱). در این راستا، ازدواج سفید را می‌توان به نوعی پدیده‌ی حاصل از تضاد ارزش‌های نسل‌های مختلف در ایران در نظر گرفت. در واقع پیوند رویکرد تضاد ارزش‌ها با بحث شکاف نسلی هنگامی اتفاق می‌افتد که مجموعه‌ی هنجارها و ارزش‌های یک نسل متضاد با مجموعه‌ی هنجارها، باورها و ارزش‌های نسل دیگر باشد.

همچنین، تافلر (۱۳۷۹)، در کتاب ضربه‌ی آینده می‌گوید: « ما می‌توانیم برای آینده، پذیرش عمومی ازدواج‌های موقتی را بپذیریم که جایگزین ازدواج تا زمانی که مرگ ما را از یکدیگر جدا کند، می‌شوند و زوجینی که وارد ازدواج می‌شوند از ابتدا می‌دانند که رابطه‌شان کوتاه مدت خواهد بود (تافلر، ۱۳۷۹: ۲۴۳). در این خصوص، ازدواج سفید را می‌توان به نوعی پیامد و نشانه‌ای از پیدایش دوران فرا صنعتی مدنظر تافلر در نظر گرفت. همچنین، با اتکاء به رویکرد نظری ذکر شده، بحث گرایش جوانان به پدیده ازدواج سفید استخراج و در فرضیه اصلی پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. چرا که، ازدواج سفید را می‌توان به نوعی یکی از اشکال تطور نهاد خانواده در نظر گرفت. نهادی که به تعبیر دورکیم وظایف خود را در طول تاریخ به نهادهای دیگر واگذار کرده است و به عرصه‌ای فردی تبدیل گشته است.

آنتونی گیدنز (۱۳۸۵)، در کتاب تجدد و تشخیص ویژگی متمایز کننده‌ی روابط دوران مدرن را با دوران سنتی، پیدایش رابطه‌های ناب به عنوان یک سرمایه فرهنگی می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۳۱). هر چند گیدنز رابطه‌ی ناب را در خصوص وضعیت ازدواج در دنیای مدرن به کار می‌برد. اما می‌توان ویژگی‌های این رابطه‌ها را برای تبیین هر چه بهتر ازدواج سفید از منظر فرهنگی نیز به کار برد. بنابراین می‌توان ازدواج سفید را به نوعی پیامدی از گذار جامعه‌ی ایران از دوران سنتی به مدرن تعریف نمود که در این گذار روابط عاشقانه‌ی رمانتیک با مطابقت با ارزش‌های فرهنگی مدرن فردگرایی، استقلال فردی، گزینش آزادانه رواج می‌یابد (موحد و شوازی، ۱۳۸۵: ۲). در این راستا، متغیر سرمایه فرهنگی از نظریه ذکر شده استخراج و در فرضیات فرعی مورد استفاده قرار گرفت.

همچنین، با توجه به نظریه‌ی بوردیو (۱۹۹۸)، میدان‌های مختلفی در جامعه وجود دارد؛ افراد با توجه به سرمایه‌هایی که دارند در این میدان‌ها به رقابت می‌پردازند؛ یکی از مهمترین سرمایه‌ها، سرمایه فرهنگی است. بنابراین سرمایه فرهنگی شخص در میدان‌های مختلف، به شکل‌گیری نگرش‌های او در مورد پدیده‌های مختلف کمک می‌کند. یکی از این پدیده‌ها، ازدواج سفید است. از نظر پاتنام (۲۰۰۰)، سرمایه اجتماعی شامل هنجارها و شبکه‌های جامعه مدنی است که کنش همیاری را در میان شهروندان و نهادهای آنان تسهیل می‌کند، وی معتقد است که سرمایه اجتماعی می‌تواند به طور همزمان یک کالای خصوصی و یک کالای عمومی باشد (پاتنام، ۲۰۰۰ به نقل از پرکان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵). در این راستا، متغیرهای سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی از نظریات تخصصی بوردیو (۱۹۹۸) و پوتنام (۲۰۰۰)، جهت طراحی فرضیات ارتباط بین این دو نوع سرمایه با نگرش جوانان به ازدواج سفید استخراج گردید.

تبیین‌های مدرنیته سیال باومن (۱۳۹۲)، نیز به ویژگی‌های پست مدرن روابط بین افراد پرداخته است. از نظر ایشان، در عصر حاضر زنان و مردان به خصوص در سنین جوانی به شدت محتاج به ایجاد رابطه‌اند، در عین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه در یک زمینه اجتماعی باقی بماند و این ارتباط همیشگی آنها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آنها را سلب نماید (گلچین و صفری، ۱۳۹۶: ۱۸۴-۱۸۳). فرد تنها در دنیای امروز به دنبال پر کردن این خلأ در پی رابطه‌ای است که احساس امنیت و آزادی را توأم داشته باشد. رابطه‌ای که در آن نیاز فرد برآورده شود. او عقیده دارد در زندگی سیال مدرن هیچ گونه پیوند دائمی و پایداری وجود ندارد و هر گونه رابطه‌ای که ما برای مدتی آن را ادامه می‌دهیم، باید

بسیار سست باشد که تا حد امکان و به سادگی بتوان آن را با تغییر شرایط فسخ نمود (همان منبع). در این راستا، نگرش جوانان به مقوله ازدواج سفید بر حسب سن و جنسیت از نظریه مذکور استخراج شد.

امجدی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با موضوع "برساخت اجتماعی ازدواج سفید" بیان کردند کمبودها و نیازهای عاطفی، عدم نظارت خانواده بر روابط فرزندان و طرد آنان، تسهیل روابط دختران و پسران در کلانشهر، بالا رفتن سن مجرد در زنان به عنوان مقوله علی و تصمیمات عاطفی و هیجانی، خود اظهاری به عنوان راهبرد و کیفیت تعاملات و روابط زوجین، استقلال عاطفی و مالی زنان، الگوبرداری از فرهنگ غربی به عنوان شرایط مداخله‌گر و بی رغبتی به ازدواج دائم، پنهان کاری و دروغ به عنوان پیامدهای ازدواج سفید تعیین شدند.

پژوهش آقای (۱۳۹۸) در رابطه با بررسی "واکاوی جرم شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه شناختی" با روش مبتنی بر رویکرد ترکیبی کمی - کیفی انجام شد. نتایج این پژوهش نشان دهنده رابطه معنی‌دار و مستقیم ازدواج سفید با عقاید فمینیستی، عدم اعتقاد به هنجارها و اصول مذهبی، شرایط بد اقتصادی و بیکاری، مخالفت با ازدواج سنتی، لذت طلبی دوستی با افراد سابقه‌دار در ازدواج سفید و عدم تعهد و مسئولیت در ازدواج سفید است.

کریمیان و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی "رابطه همخانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه‌های گرایش به آن" پرداختند. بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها با رویکرد تفسیری، ۶ مقوله‌ی اصلی با عناوین: آمادگی برای ازدواج و نگرانی از پیامدهای آن، مزایای اقتصادی، نیازهای عاطفی و جنسی، نگرانی از پیامدهای طلاق، کم‌رنگ شدن نقش نظارتی و حمایتی خانواده، آزمودن سازگاری و ازدواج آزمایشی، به عنوان دلایل گرایش افراد به روابط هم خانگی استخراج گردید.

صفری (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان "مطالعه تجربه زیسته‌ی زوجین تشکیل دهنده‌ی ازدواج سفید در تهران با روش نظریه‌ی زمینه‌ای" انجام داد. مقوله‌های عمده‌ای در این پژوهش استخراج شد که عبارتند از: تهران شهر بی نظارت، تقلیل کارکرد و اهمیت خانواده، مهاجرت به عنوان شرایط زمینه‌ای، دید منفی به ازدواج مرسوم، باورهای فمینیستی و عدم اعتقاد و پایبندی به ارزش‌های دینی جامعه به عنوان شرایط علی، درگیری در فرآیند عاشقانه، آشنایی با ازدواج سفید به عنوان شرایط میانجی، ازدواج سفید رابطه‌ی برابر، ازدواج سفید رابطه‌ی با پایان باز، تجربه‌ی رضایت بخش از این سبک زندگی، موانع داخلی رابطه، محدودیت‌های خارجی رابطه به عنوان تعاملات و تحمل ضرر و زیان ناشی از اتمام رابطه و ازدواج و یا قول به ازدواج در جهت برطرف کردن موانع خارجی به عنوان پیامدهای این سبک زندگی.

تقی‌پور (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان "مطالعه‌ی جامعه شناختی نگرش دانشجویان دانشگاه خوارزمی نسبت به پدیده‌ی ازدواج سفید" به انجام رساند؛ نتایج نشان داد که تفاوت معناداری در نگرش نسبت به پدیده‌ی ازدواج سفید بین دانشجویان براساس متغیرهای زمینه‌ای وجود ندارد؛ متغیرهای میزان و نوع دینداری، احساس آنومی، استفاده از رسانه‌ی فراملی، گروه مرجع و گرایش مردان به ارزش‌های فمینیستی با نگرش به ازدواج سفید در رابطه بود.

قدوسی و بیات (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "ازدواج سفید: درد یا درمان" به مطالعه میدانی زوج‌های تشکیل دهنده ازدواج سفید پرداخته‌اند. در این مقاله ضعیف بودن پیوندهای اجتماعی که نقطه قوت این گونه روابط تلقی می‌شود به عنوان پاشنه آشیل این روابط معرفی شده است. زارع شاه آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱)، مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد" انجام دادند. نتایج نشان داد که درآمد خانواده، تحصیلات پدر، سن فرد، دارای رابطه‌ی مستقیم با گرایش به روابط پیش از ازدواج است.

نتایج تحقیق روسونفیلد و روسلر^۶ (۲۰۱۹)، تحت عنوان، تجربه زندگی مشترک با گسست پیوند زناشویی، نشان می‌دهد که در سال اول ازدواج، زوج‌هایی که قبل از ازدواج با هم زندگی مشترک داشته‌اند، نسبت به زوج‌هایی که قبل از ازدواج زندگی

⁶ Rosenfeld and Roesler

مشترک نداشته‌اند، نرخ از هم پاشیدگی زناشویی کمتری دارند. زیمرمن و همستر^۷ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای به "بررسی تأثیر پایداری رابطه زوج‌های هم بالین بر کیفیت زندگی" پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هم زنان و هم مردان در صورت پایدار بودن رابطه منفعت برده‌اند. نتایج هیکل و فولدا^۸ (۲۰۱۸)، تحت عنوان، شیوع و ثبات زندگی مشترک در گونه ازدواج سفید بین زوجین آلمانی، نشان داد که زندگی مشترک قبل ازدواج ارتباطی با میزان تحصیلات ندارد. اکثریت قریب به اتفاق زندگی‌های مشترک قبل از ازدواج در مدت پنج سال به پایان می‌رسند. زندگی مشترک قبل از ازدواج یک تجربه اقلیت در گروه مورد مطالعه است.

نتایج مطالعه براون^۹ (۲۰۱۵) نشان داد که نگرش‌ها با تغییر وضعیت ازدواج نیز تغییر می‌یافتند به نحوی که مطلقه‌ها و مخصوصاً بیوه‌ها احتمال بیشتری می‌رود که تمایل مثبتی به همباشی داشته باشند. مشخصه‌های اقتصادی با نگرش نسبت به همباشی رابطه‌ای نداشتند اما پیوندهای اجتماعی نقش اساسی در نگرش فرد داشتند.

نتایج تحقیق قانی^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۴) و گیو^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۲) نیز بیانگر آن است که اگر چه رابطه با جنس مخالف با ارزش‌ها و هنجارهای جوامع غربی مغایرت ندارد، پیامدهای آن از قبیل افزایش تعداد فرزندان نامشروع، والدین مجرد، فرزندان بی سرپرست و تک سرپرست و خطر ابتلا به بیماری ایدز موجب نگرانی این جوامع شده است.

کوپن و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "اولین همباشی قبل ازدواج در ایالات متحده: پیمایش ملی ۲۰۱۰ - ۲۰۰۶ رشد خانواده" به دنبال توصیف به‌روزی از روند و الگوهای اولین همباشی در زنان دارای سن بین ۱۵ - ۴۴ سال بوده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از زنانی که برای اولین بار وارد رابطه‌ی همباشی شده بودند در طی ۳ سال به وضعیت ازدواج تغییر شکل دادند؛ ۳۲ درصد به رابطه‌ی همباشی خود ادامه دادند و ۲۷ درصد رابطه‌شان دچار گسست شده است.

شیمل و وو^{۱۲} (۲۰۱۱) در پژوهش خود همزیستی بدون ازدواج را یک شکل زندگی حاکم در کانادا می‌داند که از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ سه برابر شده است و در حال حاضر ۱۸ درصد از خانوارهای کانادایی سبک زندگی هم زیستی بدون ازدواج دارند. در این شکل از رابطه، انسجام اجتماعی کمتر دیده می‌شود. مشو^{۱۳} (۲۰۱۱) در تحقیقی تحت عنوان "همباشی و رابطه‌ی جنسی قبل ازدواج" به دنبال این رویکرد است که کلیسای میثنال باید در روند افزایش همباشی و رابطه‌ی جنسی قبل ازدواج دخالت کند تا روند رو به افزایش بیماری‌های ناشی از تماس جنسی از جمله ایدز کنترل گردد. با توجه به ادبیات نظری و پیشینه تحقیق مدل نظری ارائه می‌گردد.

در جمع بندی نظریات پژوهش می‌توان گفت که، در بررسی نگرش جوانان نسبت به پدیده ازدواج سفید، از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی مطرح در مورد ازدواج سفید، به تئوری‌های آنتونی گیدنز و تبیین‌های مدرنیته سیال باومن پرداخته شد. هرچند گیدنز عبارت «رابطه ناب» را درباره وضعیت ازدواج در دنیای مدرن به کار می‌برد، اما ویژگی‌های این رابطه‌ها برای تبیین بهتر الگوهای مشابه ازدواج، همچون ازدواج سفید، به کار گرفته شد. همچنین مطابق با دیدگاه زیگمونت باومن (۱۳۹۲) در عصر حاضر زنان و مردان به شدت محتاج به ایجاد رابطه‌اند و این ارتباط همیشگی آنها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آنها را سلب نماید. با توجه به نظریه‌ی بوردیو (۱۹۹۸)؛ افراد با توجه به سرمایه‌هایی که دارند در این میدان‌ها به رقابت می‌-

⁷ Zimmermann and Hameister

⁸ Hiekel and Fulda

⁹ Brown

¹⁰ Ghani

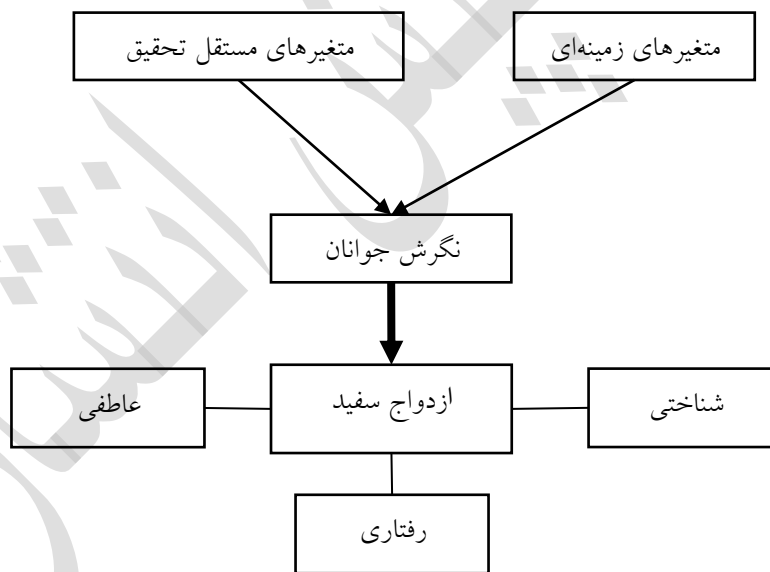
¹¹ Gue

¹² Shimel and Vev

¹³ Mashau

پردازند؛ یکی از مهمترین سرمایه‌ها، سرمایه فرهنگی است. بنابراین سرمایه فرهنگی شخص در میدان‌های مختلف، به شکل-گیری نگرش‌های او در مورد پدیده‌های مختلف کمک می‌کند. همچنین، در این تحقیق متغیر سرمایه اجتماعی، براساس نظریه پوتنام (۲۰۰۰)، طراحی و تدوین شد.

در جمع‌بندی و نقد پیشینه‌ی داخلی و خارجی، می‌توان گفت؛ ازدواج سفید، پدیده‌ای اجتماعی با ابعاد عمیق است؛ پژوهش در مورد این موضوع بسیار حساسیت برانگیز است. به همین دلیل پژوهش‌های که در داخل کشور در مورد ازدواج سفید صورت گرفته، بیشتر به صورت غیر مستقیم به آن پرداخته است؛ برای مثال این پژوهش‌ها در قالب روابط پیش از ازدواج، چند همسری، نگرش به تعدد همسر و غیره، صورت پذیرفته است؛ وجود پژوهشی که مستقیم به بحث ازدواج سفید و عوامل مرتبط با آن در بین جوانان انجام گیرد، بسیار احساس می‌شود. اما متغیرهای زمینه‌ای همانند جنسیت، وضعیت تأهل، ابعاد اقتصادی و اجتماعی فرد و خانواده و همچنین متغیر تعیین کننده‌ای همچون سرمایه فرهنگی و اجتماعی، کمتر مورد استفاده محققین قرار گرفته بود، که پژوهش حاضر به ارتباط بین این متغیرها و نگرش به ازدواج سفید پرداخته است. همچنین، پژوهش‌های خارجی کمتر از بعد آسیب شناسی وارد بررسی این پدیده شده‌اند؛ بیشتر تحقیقات خارجی یک نوع نگرش سنجی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای بوده و کمتر به تبیین عوامل مرتبط با آن پرداخته‌اند. در پژوهش‌های خارجی، پدیده‌ی ازدواج سفید را بیشتر پلی در جهت ثبت ازدواج رسمی در نظر گرفته‌اند و سعی کرده‌اند تا ارتباط این نوع ازدواج را با ازدواج رسمی دریابند؛ بنابراین طبیعی است که بر خلاف باور و فرهنگ موجود در کشور ایران، نفس وجود ازدواج سفید را تا حد زیاد از حالت یک آسیب اجتماعی خارج و بیشتر به پیامدهای آن ببیند.



نمودار ۱- مدل نظری پژوهش

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید بر حسب مولفه‌های (عاطفی، شناختی و رفتاری) آنان متفاوت است.

فرضیات فرعی

به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات و نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید رابطه معنادار وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین جنسیت و نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید رابطه معنادار وجود دارد.
به نظر می‌رسد بین سن و نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید رابطه معنادار وجود دارد.
به نظر می‌رسد بین وضعیت تأهل و نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید رابطه معنادار وجود دارد.
به نظر می‌رسد بین میزان سرمایه فرهنگی و نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید رابطه معنادار وجود دارد.
به نظر می‌رسد بین میزان سرمایه اجتماعی و نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید رابطه معنادار وجود دارد.
به نظر می‌رسد بین میزان پایبندی به شعائر مذهبی (دینداری) و نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر «پیمایشی» است. در این پژوهش واحد تحلیل "افراد ۲۰-۳۵ ساله" می‌باشد. به عبارتی دیگر نگرش افراد مورد پرسش قرار گرفت که عوامل موثر بر شکل‌گیری نگرش جوانان شهرستان سوسنگرد نسبت به ازدواج سفید موثر کدامند؟ جامعه آماری این تحقیق شامل جوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله شهرستان سوسنگرد می‌باشد که براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۱۴۸۳ نفر (۵۶۸۷ مرد و ۵۷۹۶ زن) بود. روش نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم نمونه بود. با توجه به تعداد جامعه آماری موردنظر، حجم نمونه براساس فرمول گرجی و مورگان ۳۸۴ نفر انتخاب شد. در این تحقیق از ابزار «پرسشنامه» استفاده شد. پرسشنامه تهیه شده در این تحقیق متشکل از دو دسته سوال می‌باشد. دسته اول محقق ساخته، به منظور تعیین و مشخص شدن مشخصات جامعه شناختی نمونه از لحاظ سن، جنسیت، میزان تحصیلات، شغل و درآمد هر فرد و دسته دوم مربوط به متغیرهای وابسته و مستقل می‌باشد که به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق حاضر تنظیم گردیده است. گویه‌های مربوط به نگرش جوانان به ازدواج سفید و سرمایه فرهنگی از پژوهش وهابی‌زاده (۱۳۹۶) استخراج شده است و اعتبار و روایی قابل ملاحظه‌ای برای آن گزارش شده است. گویه‌های متغیر دینداری براساس پرسشنامه استاندارد مدل گلاک و استارک تدوین شدند. این پرسشنامه در مجموع شامل ۵۶ گویه که سوالات آن در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت و به صورت «گوگل فرم» طراحی و تنظیم شده است. در سطح استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون همبستگی I پیرسون، آزمون‌های رگرسیون ساده و تحلیل عاملی با کاربرد نرم افزار SPSS استفاده شد. همچنین، برای انجام تحلیل معادلات ساختاری از نرم افزار Smart PLS استفاده شد.

برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری استفاده شده است. بدین منظور از نظر متخصصین در زمینه منطبق بودن محتوای سئوالات با مفاهیم و متغیرهای مورد مطالعه استفاده شده است. برای تعیین پایایی پرسشنامه، یکی از روش‌ها، تعیین بار عاملی می‌باشد، این روش برای محاسبه هم‌آهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری خصوصیات پرسشنامه مورد استفاده قرار می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۵۷). در این تحقیق نیز جهت تعیین پایایی تحقیق، بارعاملی هر گویه محاسبه شد که در اکثر موارد بیشتر از ۰/۴ بود که نشان دهنده پایایی خوب پرسشنامه می‌باشد (جدول ۱).

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

نگرش به ازدواج سفید

نگرش نظام‌هایی پایدار از ارزشیابی مثبت یا منفی، احساسات هیجانی و آمادگی‌های موافق و یا مخالف برای عمل نسبت به اشیاء اجتماعی هستند به عبارتی ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به چیز معین را نگرش شخص نسبت به آن چیز گویند (شکرکن، ۱۳۶۶). در این تعریف سه عنصر کلیدی، مهم و حساس را از هم می‌توان متمایز کرد.

الف) عنصر احساسی یا عاطفی: این عنصر، اولین عنصر و مقدماتی‌ترین نوع شناخت است؛ یعنی نوعی صورت‌پردازی و ترسیم از آنچه که در واقع است (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۶). بعد احساس یعنی انسان بر اساس احساس (و نه بر اساس تفکر و حسابگری) قضاوت‌ها و یا عکس‌العمل‌های ارزیابی‌کننده نسبت به پدیده‌های اطراف خود از خود نشان می‌دهد.

ب) **عنصر شناختی**: شامل اعتقادات و باورهای شخصی درباره یک شی یا اندیشه است؛ بنابراین در ادراک فرایندی است بنابراین در این مرحله از شناخت مهم ادراک است که شناخت ما را معنادار می‌کند «ادراک فرایندی است که ما می‌توانیم داده را به تعبیری قابل لمس، قابل فهم و به شکلی که بشود با دیگران ارتباط برقرار کرد تبدیل کنیم».

پ) رفتاری (تمایل به عمل): به این معناست که وقتی انسانی در برابر محرک‌های بیرونی قرار می‌گیرد و براساس شناخت و نوع احساس که به وی دست داد، خود را در حالت آماده باش قرار دهد که در صورت لزوم عکس‌العمل ویژه در برابر صورت‌های بیرونی داشته باشد (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

نگرش دارای سه بعد شناختی، عاطفی و آمادگی برای عمل است؛ که منظور از نگرش به ازدواج سفید در بعد شناختی از افراد این سؤال پرسیده می‌شود که ازدواج سفید را تا چه حد می‌شناسند و تا چه حد با افرادی که این سبک از زندگی را تجربه کردند در ارتباط‌اند و اینکه آیا ازدواج سفید را خوب و یا بد می‌دانند. منظور از بعد عاطفی نگرش افراد نسبت به ازدواج سفید این است که از افراد مورد مطالعه این سؤال پرسیده می‌شود که چه حسی خوشایند و یا ناخوشایند نسبت به ازدواج سفید و همچنین ازدواج دارند. در بعد آمادگی عمل، نگرش نسبت به ازدواج سفید، میزان کمک فرد و میزان ستایش و همچنین حمایت آنها به افرادی که این سبک زندگی را دارند مورد سؤال واقع می‌گردد.

سرمایه فرهنگی: یعنی قدرت، شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد که در برگیرنده تمایلات پایدار فرد می‌باشد که در روند اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند. سرمایه فرهنگی به سه مقوله قابل تفکیک است:

الف) سرمایه فرهنگی تجسم یافته: که بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند. در واقع سرمایه فرهنگی درونی شده توانایی بالقوه‌ای دارد که به تدریج بخشی از وجود فرد شده و در او تثبیت شده‌اند. در تعریف عملیاتی این متغیر، با مهارت‌های فرهنگی و هنری فرد و همچنین میزان صرف وقت برای امور فرهنگی اندازه‌گیری شد. بر این اساس میزان مهارت فرد در هنرهای گوناگون نظیر: موسیقی، تئاتر، نویسندگی، خطاطی، نقاشی و سایر هنرهای مورد سؤال قرار گرفت.

ب) سرمایه فرهنگی عینیت یافته: از کالاهای فرهنگی و اشیای مادی از قبیل کتاب، نقاشی و آثار هنری می‌باشد. در تعاریف عملیاتی برای اندازه‌گیری سرمایه فرهنگی عینیت یافته از پاسخگو دربارهٔ وسایل و تکنولوژی فرهنگی که در اختیار دارد سؤال می‌شود

ج) سرمایه فرهنگی نهادینه: از جمله صلاحیت‌های تحصیلی که در قالب مدارک و درجه‌ای تحصیلی نمود عینی پیدا می‌کنند و به دارنده آنها از نظر قانونی و هم از نظر عرفی ارزش اجتماعی می‌دهد (بورديو، ۱۳۸۴: ۳۵). برای سنجش این سرمایه از پاسخگو دربارهٔ تحصیلات پرسش می‌شود.

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر (و نوع این پیوندها و ارتباطات) می‌توانند به دست آورند. پاتنام معتقد است سرمایه اجتماعی، محصول روابط اجتماعی است و معمولاً به سرمایه اجتماعی به عنوان یک خیر جمعی و خصوصی نیز نگریسته می‌شود. سه مفهوم اساسی شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، سه پایه اصلی سرمایه اجتماعی نزد پاتنام را تشکیل می‌دهند (پاتنام، ۲۰۰۰، به نقل از شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۱).

الف) شبکه اجتماعی: یکی از شاخص‌های مورد نظر در سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی است که با ۴ سؤال مورد سنجش قرار گرفته است. ب) اعتماد: از دیگر شاخص‌های مورد نظر در سرمایه اجتماعی، اعتماد است که با ۴ سؤال مورد سنجش قرار گرفته است. ج) مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی گسترده و با ابعاد وسیع می‌باشد. که متضمن انواع فعالیت‌های

فردی یا اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی از سطح پایین تا سطوح بالاتر است. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع در بردارنده‌ی انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴). در زمینه شاخص‌سازی این متغیر از ۴ گویه استفاده شده است.

متغیر شعائر دینی: در این تحقیق، متغیر دینداری شامل سه بعد مناسکی، تجربی و پیامدی است. الف) بُعد مناسکی یا اعمال دینی، شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز، شرکت در آئین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و... است که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را بجا آورند. ب) بُعد تجربی یا عواطف دینی، ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است. ج) بُعد پیامدی یا آثار دینی ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است (گلاک و استارک، ۱۹۶۵، نقل از سراج‌زاده، ۱۳۷۷).

در این پژوهش برای عملیاتی کردن و سنجش میزان دینداری از مدل گلاک و استارک (۱۹۶۵) استفاده شد. متغیر دینداری دارای ۱۲ گویه است که در ۳ بُعد عاطفی (با ۴ گویه)، پیامدی (با ۴ گویه) و مناسکی (با ۴ گویه) جهت سنجش میزان دینداری به کار می‌رود. مقیاس اندازه‌گیری مورد استفاده در این سنجش، طیف لیکرت می‌باشد که هر گویه پنج درجه ارزشی «خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم» را در بر می‌گیرد.

جدول ۱- مقدار بار عاملی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

مفهوم	ابعاد	تعداد پاسخگویان	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ ^{۱۵}	مقدار کبزر و مایر ^{۱۴}	بارعاملی
نگرش به ازدواج سفید	شناختی	۳۸۴	۱۰	۰/۷۶۸	۰/۷۵	۰/۸۲۵
	عاطفی	۳۸۴	۸	۰/۸۴۸	۰/۸۴	۰/۸۹۸
	رفتاری	۳۸۴	۴	۰/۸۲۶	۰/۸۱	۰/۸۵۴
سرمایه فرهنگی	سرمایه تجسم یافته	۳۸۴	۵	۰/۷۹۱	۰/۷۹	۰/۴۷۸
	سرمایه عینیت یافته	۳۸۴	۵	۰/۷۵۶	۰/۷۴	۰/۸۳۳
	سرمایه نهادینه	۳۸۴	۱	۰/۷۲۴	۰/۷۱	۰/۷۴۲
سرمایه اجتماعی	شبکه اجتماعی	۳۸۴	۴	۰/۸۶۸	۰/۸۸	۰/۸۴۹
	اعتماد	۳۸۴	۴	۰/۷۴۶	۰/۷۵	۰/۴۴۶
	مشارکت اجتماعی	۳۸۴	۴	۰/۷۵۴	۰/۷۴	۰/۵۷۶
دینداری	عاطفی	۳۸۴	۴	۰/۷۳۱	۰/۷۰	۰/۸۵۴
	پیامدی	۳۸۴	۴	۰/۸۴۱	۰/۸۲	۰/۰۵۱

^{۱۴} KMO

^{۱۵} Cronbachs Alpha

۰/۷۹۴	۰/۸۹	۰/۸۸۷	۴	۳۸۴	مناسکی	
-------	------	-------	---	-----	--------	--

یافته های تحقیق

در این بخش یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار ارائه شده است؛ خصوصیات جمعیت شناختی پاسخگویان از قبیل سن، جنسیت، وضعیت تاهل، میزان تحصیلات، نوع شغل و میزان درآمد به اختصار بیان شده است. اکثریت پاسخگویان (۳۹/۳ درصد) بین سنین ۳۱ تا ۳۵ سال قرار دارند. بعد از آن گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال دارای بیشترین فراوانی در بین پاسخگویان بوده‌اند. فراوانی گروه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال برابر با ۲۱/۴ درصد می‌باشد و پاسخگویان رده سنی ۱۸ تا ۲۰ سال با دارا بودن ۱۵/۶ درصد در رتبه آخر قرار گرفته‌اند.

در خصوص متغیر جنسیت؛ تعداد ۳۸۴ نفر از جوانان شهر سوسنگرد به سوالات مطرح شده در پرسشنامه نگرش آنها به ازدواج سفید پاسخ داده‌اند، که از این تعداد؛ ۳۲/۲ درصد را جوانان مرد و ۷۶/۸ درصد جوانان را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین بررسی وضعیت تاهل نشان داد که پاسخگویان تقریباً بطور یکسانی از وضعیت متاهل و مجرد بودن برخوردار هستند بطوری که فراوانی افراد متاهل و مجرد به ترتیب برابر با ۵۰/۳ و ۴۹/۷ درصد بود.

میزان تحصیلات اکثر جوانان پاسخگو دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس بوده است. به طوری که ۲۶/۶ درصد آنها دارای مدرک دیپلم، ۲۵/۳ درصد آنها دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و ۲۷/۶ درصد پاسخگویان دارای مدرک لیسانس بوده‌اند. پس از آن جوانانی که دارای مدرک تحصیلی ابتدایی و راهنمایی بوده‌اند، ۱۳/۸ درصد پاسخگویان را تشکیل داده‌اند. پاسخگویان با مدرک فوق لیسانس و دکتری (۶/۸ درصد) در رتبه بعدی قرار گرفتند. بیشتر جوانان پاسخگو دارای شغل فرهنگی (آموزگار، دبیری) بودند به طوری که ۴۲/۲ درصد آنها فرهنگی بوده‌اند. پس از آن جوانانی که دارای دانشجو بودند، ۲۴/۲ درصد پاسخگویان را تشکیل داده‌اند.

جدول ۲- یافته های پژوهشی

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
گروه سنی	۱۸-۲۰ سال	۶۰	۱۵/۶
	۲۱-۲۵ سال	۸۲	۲۱/۴
	۲۶-۳۰ سال	۹۱	۲۳/۷
	۳۱-۳۵ سال	۱۵۱	۳۹/۳
جنسیت	مرد	۸۹	۳۲/۲
	زن	۲۹۵	۷۶/۸
تاهل	متاهل	۱۹۳	۵۰/۳
	مجرد	۱۹۱	۴۹/۷
تحصیلات	بی سواد	۰	۰
	ابتدایی و راهنمایی	۵۳	۱۳/۸
	دیپلم	۱۰۲	۲۶/۶
	فوق دیپلم	۹۷	۲۵/۳
	لیسانس	۱۰۶	۲۷/۶
	فوق لیسانس و دکتری	۲۶	۶/۸

یافته های استنباطی

جدول (۲) نتایج آزمون تفاوت میانگین وضعیت تأهل، تحصیلات، جنسیت و سن با نگرش نسبت به ازدواج سفید

متغیر وابسته	متغیر مستقل		میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون T	سطح معناداری (Sig)
نگرش به ازدواج سفید (شاخص کلی)	تحصیلات	تا دیپلم	۵۶/۲۳	۱/۲۳	۱۵/۹۰	۰/۰۰۰
		فوق دیپلم	۶۱/۱۴	۲/۲۳		
		لیسانس	۶۷/۶۹	۱/۱۲۴		
		فوق لیسانس و دکتری	۶۲/۴۲	۱/۳۵۶		
جنسیت	زن	۶۰/۸۵	۱۲/۶۱	۱۴/۵۸	- ۱/۱۲۲	۰/۰۰۲
	مرد	۶۲/۵۳				
وضعیت تأهل	سن	۴۲/۵۱	۳/۱۲	۱۲/۲۳	۰/۵۱۶	
	مجرد	۶۵/۶۲	۱۱/۰۲	۷/۳۷۵	۰/۰۰۰	
متاهل	۵۶/۹۰	۹/۹۶				

نتایج جدول (۲) حاکی از آن است که در شاخص کلی نگرش به ازدواج سفید، افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس و دکتری دارای بیشترین میانگین نسبت به سایر گروه‌ها هستند؛ با توجه به اینکه سطح معناداری زیر ۰/۰۵ است، این تفاوت به لحاظ آماری در سطح اطمینان ۱ درصد معنادار است؛ بنابراین افراد دارای مدارک تحصیلی بالاتر، دارای نگرش بهتری نسبت به ازدواج سفید هستند و فرضیه مذکور تأیید می‌شود. همچنین، بررسی یافته‌های نشان داد که، در بعد شناختی نگرش، میانگین مردان ۲۸/۶۱ و میانگین زنان ۲۸/۱۹ می‌باشد و این تفاوت با توجه به سطح معناداری زیر ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار است؛ در حالی که اختلاف میانگین مردان با زنان، در بعد عاطفی و رفتاری معنادار نمی‌باشد.

در نهایت در شاخص کلی نگرش به ازدواج سفید، مردان دارای میانگین ۶۲/۵۳ و زنان دارای میانگین ۶۰/۸۵ می‌باشند؛ با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۲)، این اختلاف به لحاظ آماری معنادار است. مردان نسبت به زنان، نگرش بهتری به ازدواج سفید دارند. بنابراین فرضیه مذکور تأیید می‌شود. با توجه به سطح معناداری بالای ۰/۰۵، رابطه‌ی معناداری بین سن، بعد شناختی، عاطفی، رفتاری و شاخص کلی نگرش به ازدواج سفید وجود ندارد؛ بنابراین این فرضیه تأیید نمی‌شود. همچنین، در شاخص کلی نگرش به ازدواج سفید، میانگین مجردان ۶۵/۶۲ و متاهلان ۵۶/۹۰ است؛ با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) که زیر ۰/۰۵ است، این تفاوت میانگین به لحاظ آماری معنادار است؛ بنابراین مجردان، نگرش بهتری نسبت به ازدواج سفید دارند. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه معنادار بین وضعیت تأهل و نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید تأیید می‌شود.

جدول (۳) ضرایب همبستگی نگرش به ازدواج سفید با سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

متغیر وابسته / متغیر مستقل	آزمون و سطح معناداری	شناختی	عاطفی	رفتاری	نگرش به ازدواج سفید (شاخص کلی)
سرمایه فرهنگی	آزمون اسپیرمن	۰/۲۶۸ **	۰/۲۲۱ **	۰/۲۳۴ **	۰/۳۰۷ **

۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	نهادینه شده
۰/۰۶۴	-۰/۰۹۱	۰/۰۷۸	۰/۱۲۲ **	آزمون اسپیرمن	سرمایه فرهنگی
۰/۱۳۳	۰/۱۲۷	۰/۱۰۴	۰/۰۰۷	سطح معناداری	تجسم یافته
۰/۱۹۷ **	۰/۱۹۴ **	۰/۱۱۹ *	۰/۱۵۳ **	آزمون اسپیرمن	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۲	سطح معناداری	عینیت یافته
۰/۱۵۱ **	۰/۰۶۷	۰/۱۲۲ *	۰/۱۶۹ **	آزمون اسپیرمن	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۱	۰/۱۴۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	سطح معناداری	(شاخص کلی)

** معناداری کمتر از ۰/۰۱ - * معناداری کمتر از ۰/۰۵

با توجه به نتایج جدول (۳)، سرمایه فرهنگی نهادینه شده، دارای ارتباط معنادار و مثبت با بعد شناختی، عاطفی، رفتاری و شاخص کلی نگرش نسبت به ازدواج سفید می‌باشد؛ بنابراین هرچه سرمایه فرهنگی نهادینه شده بیشتر باشد، نگرش نسبت به ازدواج سفید، مثبت‌تر خواهد بود و بالعکس. در بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته، بین بعد شناختی نگرش با سرمایه فرهنگی تجسم یافته رابطه معنادار وجود داشت ولی هیچگونه رابطه‌ای بین این متغیر و ابعاد عاطفی و رفتاری نگرش و شاخص کلی نگرش به ازدواج سفید مشاهده نشد؛ در حالی که سرمایه فرهنگی در بعد عینیت یافته، دارای رابطه معنادار و مثبت با بعد شناختی، عاطفی، رفتاری و شاخص کلی نگرش به ازدواج سفید است. با توجه به یافته‌های تحقیق، شاخص کلی سرمایه فرهنگی، در بعد شناختی، عاطفی و شاخص کلی، دارای رابطه معنادار و مثبت با نگرش به ازدواج سفید می‌باشد؛ لذا هرچه سرمایه فرهنگی در ابعاد شناختی و عاطفی بالاتر باشد، دارای نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج سفید است و بالعکس.

جدول (۴) ضرایب همبستگی نگرش به ازدواج سفید با سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

متغیر وابسته / متغیر مستقل	آزمون و سطح معناداری	شناختی	عاطفی	رفتاری	نگرش به ازدواج سفید (شاخص کلی)
شبکه اجتماعی	آزمون اسپیرمن	۰/۱۰۶ *	۰/۱۲۸ **	۰/۱۵۴ **	۰/۱۶۳ **
	سطح معناداری	۰/۰۲۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
اعتماد	آزمون اسپیرمن	- ۰/۰۴۹	۰/۱۱۲ *	۰/۰۵۶	۰/۰۷۸
	سطح معناداری	۰/۵۴۳	۰/۰۲۰	۰/۴۳۳	۰/۴۱۶
مشارکت اجتماعی	آزمون اسپیرمن	۰/۰۹۱	۰/۰۶۹ **	۰/۰۹۸ *	۰/۴۰۲ *
	سطح معناداری	۰/۰۵۹	۰/۰۱۴	۰/۰۲۷	۰/۰۳۳
سرمایه اجتماعی (شاخص کلی)	آزمون اسپیرمن	۰/۱۲۱ *	۰/۱۵۸ **	۰/۱۶۴ **	۰/۱۷۱ **
	سطح معناداری	۰/۰۳۹	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

** معناداری کمتر از ۰/۰۱ - * معناداری کمتر از ۰/۰۵

با توجه به نتایج جدول (۴)، شبکه اجتماعی، دارای ارتباط معنادار و مثبت با بعد شناختی، عاطفی، رفتاری و شاخص کلی نگرش نسبت به ازدواج سفید می‌باشد؛ بنابراین هرچه شبکه اجتماعی افراد بیشتر باشد، نگرش نسبت به ازدواج سفید، مثبت‌تر خواهد بود و بالعکس. در بعد اعتماد سرمایه اجتماعی، بین بعد عاطفی نگرش با بعد اعتماد رابطه معنادار وجود داشت ولی هیچگونه رابطه‌ای بین این متغیر و ابعاد شناختی و رفتاری نگرش و شاخص کلی نگرش به ازدواج سفید مشاهده نشد؛ در حالی که سرمایه اجتماعی در بعد مشارکت اجتماعی، دارای رابطه معنادار و مثبت با بعد عاطفی، رفتاری و شاخص کلی نگرش به ازدواج سفید است.

با توجه به یافته‌های تحقیق، شاخص کلی سرمایه اجتماعی، در بعد شناختی، عاطفی، رفتاری و شاخص کلی، دارای رابطه‌ی معنادار و مثبت با نگرش به ازدواج سفید می‌باشد؛ لذا هرچه سرمایه‌ی اجتماعی افراد بالاتر باشد، دارای نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج سفید است و بالعکس. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول (۵) ضرایب همبستگی نگرش به ازدواج سفید با شعائر دینی و ابعاد آن

متغیر وابسته / متغیر مستقل	آزمون و سطح معناداری	شناختی	عاطفی	رفتاری	نگرش به ازدواج سفید
عاطفی	آزمون اسپیرمن	* -۰/۱۱۸	-۰/۰۲۶	** -۰/۵۱۲	** -۰/۲۳۶
	سطح معناداری	۰/۰۱۱	۰/۸۴۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
پیامدی	آزمون اسپیرمن	* ۰/۱۰۱	** ۰/۱۶۹	-۰/۰۸۷	** ۰/۱۶۵
	سطح معناداری	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۰/۸۱۶	۰/۰۰۸
مناسکی	آزمون اسپیرمن	** -۰/۱۷۴	-۰/۰۶۹	** -۰/۳۲۱	** -۰/۲۳۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۲۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
شعائر دینی (شاخص کلی)	آزمون اسپیرمن	-۰/۱۰۹	۰/۰۴۲	** -۰/۳۹۸	** -۰/۱۶۸
	سطح معناداری	۰/۰۷۵	۰/۳۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴

** معناداری کمتر از ۰/۰۱ - * معناداری کمتر از ۰/۰۵

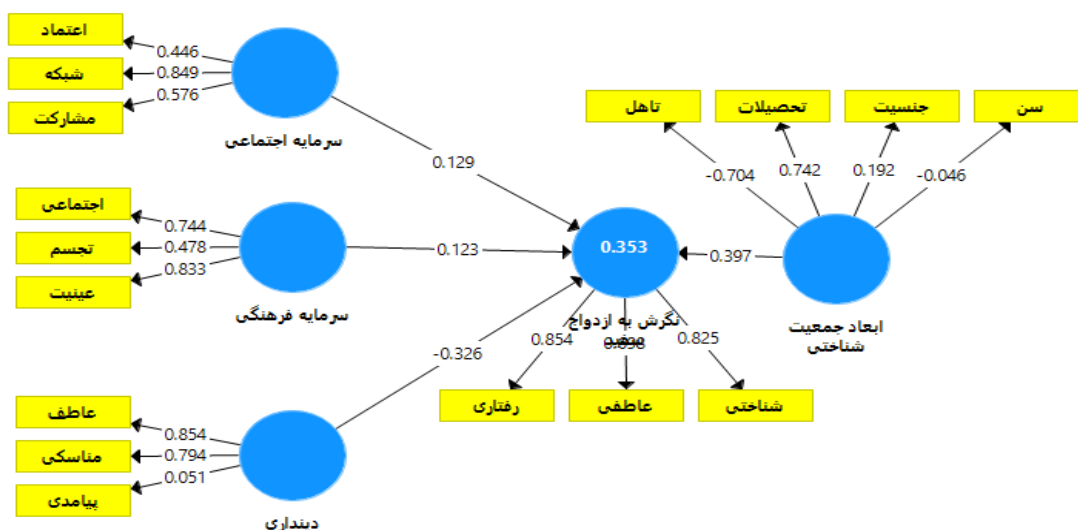
با توجه به نتایج جدول (۵)، بعد عاطفی متغیر شعائر دینی، دارای ارتباط معنادار و منفی با بعد شناختی، رفتاری و شاخص کلی نگرش نسبت به ازدواج سفید می‌باشد؛ بنابراین هرچه بعد عاطفی دینداری افراد بیشتر باشد، نگرش نسبت به ازدواج سفید، کمتر خواهد بود و بالعکس. در بعد پیامدی دینداری، بین بعد شناختی، عاطفی و شاخص کلی نگرش به ازدواج سفید رابطه معنادار و مثبت وجود داشت ولی بین بعد پیامدی و بعد رفتاری نگرش به ازدواج سفید رابطه معناداری مشاهده نشد؛ همچنین، در بعد مناسکی شعائر دینی با ابعاد شناختی، رفتاری و شاخص کلی نگرش به ازدواج سفید، رابطه‌ای معنادار و منفی وجود داشت. بنابراین هرچه بعد مناسکی شعائر دینی افراد بیشتر باشد، نگرش نسبت به ازدواج سفید، کمتر خواهد بود و بالعکس.

با توجه به یافته‌های تحقیق، شاخص کلی شعائر دینی، در بعد رفتاری و شاخص کلی نگرش، دارای رابطه‌ای معنادار و منفی با نگرش به ازدواج سفید می‌باشد؛ لذا هرچه پایبندی افراد به اعتقادات و باورهای مذهبی بیشتر باشد، دارای نگرش منفی‌تری نسبت به ازدواج سفید می‌باشند و بالعکس. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

بررسی و آزمون مدل ساختاری عوامل موثر بر نگرش به ازدواج سفید

در مدل زیر به بررسی و آزمون مدل ساختاری عوامل موثر بر نگرش به ازدواج سفید پرداخته می‌شود. در نمودار (۲) نشان می‌دهد اثر عوامل سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، دینداری و متغیرهای زمینه‌ای بر متغیر نگرش به ازدواج سفید متفاوت است. ضریب تعیین تعدیل شده برای متغیر نگرش به ازدواج سفید برابر ۰/۳۵۳ است. به بیان دیگر ۳۵/۳ درصد از تغییرات نگرش به ازدواج سفید توسط این عوامل تبیین می‌شود. مدل معادلات ساختاری (PLS) در نمودار (۲) بیانگر این مطلب است که سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، دینداری و متغیرهای زمینه‌ای با متغیر نگرش به ازدواج سفید مرتبط بوده است. متغیرهای زمینه‌ای برحسب مدل با میانگین (۰/۳۹۷) بیشترین تفاوت را با متغیر نگرش به ازدواج سفید دارد. به عبارت دیگر، بیشترین عامل تشکیل دهنده متغیرهای زمینه‌ای مرتبط با نگرش به ازدواج سفید عوامل سن، جنسیت، تحصیلات،

وضعیت تاهل بودند که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته تحقیق داشتند. مقدار ضریب مسیر برای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و شعائر دینی مرتبط به نگرش به ازدواج سفید به ترتیب برابر با ۰/۱۲۹، ۰/۱۲۳ و ۰/۳۲۶ - می‌باشد.



نمودار شماره ۲- مدل معادلات ساختاری

بحث و نتیجه گیری

در جامعه‌ی مورد پژوهش، سنجش نگرش نسبت به ازدواج سفید و تعیین عوامل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مؤثر بر این نگرش از حیث انجام پژوهش، دارای اهمیت تلقی گردید. بنابراین، پس از مطالعه‌ی منابع و تحقیقات داخلی و خارجی، عوامل تأثیرگذار بر نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید، شناسایی و براساس یک پشتوانه‌ی نظری، فرضیه‌ها تدوین و در ادامه پرسشنامه‌ی تحقیق طرح و با استفاده از روش پیمایش، داده‌های تحقیق جمع‌آوری و توسط نرم افزارهای آماری مربوطه تحلیل گردید؛ در پایان، ضمن ارائه‌ی نتایج تحقیق بر همین اساس پیشنهاداتی نیز همسو با یافته‌های پژوهش ارائه شد.

یافته‌ها حاکی از آن است که جنسیت با نگرش به ازدواج سفید رابطه‌ی معنادار دارد؛ مردان نسبت به زنان، نگرش مثبتی به ازدواج سفید دارند. این یافته با نتایج پژوهش بحرانی (۱۳۸۴)، مرکز ملی ازدواج و سلامتی (۲۰۰۷)، و اسکات (۲۰۰۹) هماهنگی داشت؛ در حالی که با نتایج پژوهش تقی‌پور (۱۳۹۴) و کیو و وستون (۲۰۰۷) همخوان نبود؛ بحرانی (۱۳۸۴)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیده بود که جوانان هر دو جنس، روابط قبل از ازدواج رسمی را برای آشنایی با یکدیگر، ضروری می‌دانند. در بین همه‌ی تحقیقات، فقط نتایج کیو و وستون (۲۰۰۷)، نگرش زنان نسبت به ازدواج سفید را مثبت تر از مردان می‌دانست. اما، بر خلاف این استثناء، دلایل نگرش مثبت مردان نسبت به ازدواج سفید را می‌توان در ساختارهای جامعه جستجو کرد؛ زنان در موقعیتی هستند که ازدواج سفید برای آنها، ریسک بسیار زیادی به حساب می‌آید؛ زیرا در صورت وقوع این امر، شانس ازدواج رسمی آنها در آینده بسیار کاهش می‌یابد و ممکن است انگ‌های زیادی بخورند؛ در صورتی که شدت این پیامدها و انگ‌های اجتماعی در جامعه‌ی ما برای مردان کمتر است؛ بنابراین طبیعی است که مردان نگرش بهتری نسبت به ازدواج سفید داشته باشند.

نتایج این تحقیق نشانگر آن بود که بین سن و نگرش به ازدواج سفید، رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. این نتیجه با نتایج تحقیق وهابی‌زاده (۱۳۹۶) و تقی‌پور (۱۳۹۴)، همخوان بود. در حالی که با نتایج پژوهش زارع شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱)

و اسکات (۲۰۰۹)، هماهنگ نبود. یافته‌ها نشان داد که بین وضعیت تأهل و نگرش به ازدواج سفید، رابطه‌ی معنادار وجود دارد؛ مجردان نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج سفید دارند؛ این یافته با نتایج پژوهش وهابی‌زاده (۱۳۹۶) و اسکات (۲۰۰۹)، همخوان بود؛ در حالی که با نتایج تحقیق بیات و قدوسی (۱۳۹۳) و براون (۲۰۱۵) هماهنگی نداشت. وجود تعهدات به خانواده، یکی از موانعی است که باعث می‌شود افراد متأهل کمتر گرایش به این نوع روابط داشته باشند؛ زیرا اقدام به این سبک برای افراد متأهل، دارای پیامدهای مخربی برای او و خانواده‌اش است و حتی ممکن است باعث طرد اجتماعی او شود؛ در حالی که افراد مجرد، به دلیل شرایط و تعهدات سنگین ازدواج رسمی در برخی موارد، بیشتر گرایش به ازدواج سفید دارند؛ زیرا تعهدات قانونی همانند مهریه، از این نوع ازدواج حذف می‌شود.

یافته‌های تحقیق نشان داد بین میزان سرمایه اجتماعی و نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. بدین معنا که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی افراد، نگرش مثبت آنان نسبت به ازدواج سفید نیز افزایش خواهد یافت. به این معنا که افرادی که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار بودند نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج سفید داشتند. یافته‌ی بدست آمده در این پژوهش با یافته‌های پرکان و همکاران (۱۳۹۹)، رزمجویی (۱۳۹۵) و خزائی (۱۳۸۸) همسو می‌باشد که نشان داده بودند افرادی که سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و عضویت اجتماعی) بیشتری در جامعه داشتند در مقایسه با کسانی که سرمایه اجتماعی کمتری داشتند، نگرش مثبت و نگاه خوشبینانه‌ای نسبت به ازدواج سفید داشتند. بر اساس نتیجه مذکور می‌توان این گونه برداشت کرد که معمولاً افرادی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند و نگاه خوشبینانه‌ای به ازدواج سفید دارند، ازدواج سفید را نه به عنوان یک چالش بلکه به عنوان یک فرصت در نظر می‌گیرند.

نتایج نشان داد که سرمایه فرهنگی دارای رابطه معنادار و مستقیم با نگرش به ازدواج سفید است؛ یافته‌های وهابی‌زاده (۱۳۹۶) حاکی از این بود که شاخص کلی سرمایه فرهنگی دارای رابطه معنادار و مثبت با نگرش به ازدواج سفید می‌باشد؛ بنابراین هرچه سرمایه‌ی فرهنگی فرد بالاتر باشد، دارای نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج سفید است و بالعکس که با یافته‌های تحقیق حاضر همخوانی دارد. همچنین، این نتیجه با یافته‌های پژوهش منادی (۱۳۸۳) و سفیری و همکاران (۱۳۸۹)، همسو می‌باشد؛ منادی (۱۳۸۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده بود که سرمایه فرهنگی زوجین، تعیین کننده‌ی اصلی تصورات و تعاریف آنها از زندگی مشترک و راهنمای افکار و رفتارهای آنها است. سفیری و همکاران (۱۳۸۹) معتقد بودند که سرمایه فرهنگی باعث دموکراتیک‌تر شدن روابط همسران می‌شود. می‌توان استنباط کرد که در واقع همین دموکراتیک شدن روابط، باعث افکار آزادتر آنها و نگرش مثبت‌تر نسبت به ازدواج سفید می‌شود. اما نتیجه‌ی پژوهش نقی‌زاده (۱۳۹۲) درست برعکس این پژوهش بود؛ او معتقد بود که سرمایه فرهنگی رابطه معکوس با نگرش به تعدد زوجات دارد. ازدواج سفید پدیده‌ای است که ارتباط دو جنس مخالف را خارج از عرف و ازدواج رسمی در بر می‌گیرد؛ بنابراین تصورات فرد در مورد این پدیده، در کسب سرمایه‌های فرهنگی در اشکال گوناگون شکل می‌گیرد و تعیین کننده‌ی نگرش فرد خواهد شد. در تبیین رابطه‌ی مستقیم سرمایه فرهنگی و نگرش به ازدواج سفید می‌توان گفت که معمولاً افراد دارای سرمایه فرهنگی بالا، تحصیلات بالایی هم دارند و نسبت به برخی از اشکال روابط جدید جنسی، ذهنیت بازتری دارند و متساهل‌ترند؛ بنابراین افراد دارای سرمایه فرهنگی بالا، نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج سفید دارند. با توجه به یافته‌های پژوهش و نظریه بوردیو می‌توان استنباط کرد که افرادی که سرمایه فرهنگی بیشتری را جذب کرده بودند و نمرات بالاتری را در سرمایه فرهنگی بدست آورده بودند نگرش مثبت و نگاه خوش بینانه‌تری نسبت به ازدواج سفید داشتند.

علاوه بر این، نتایج این پژوهش را نیز می‌توان بر اساس نظریه بحران ارزش‌ها تحلیل و بررسی کرد. بر طبق این نظریه، بحران ارزش‌ها در همه سطوح جامعه تأثیرگذار است. این مسئله به ویژه در خانواده مسائل و مشکلات زیادی را به وجود آورده است. بسیاری را عقیده بر این است که "جامعه جدید صنعتی جامعه‌ای است که از نظر ساختی گرایش زیادی به ازدواج

سفید و طلاق و پایبندی کمی به زندگی زناشویی دارند" که منجر به سست شدن پایه‌های نهاد خانواده می‌شود. در چنین جامعه‌ای ثبات روابط رو به کاستی می‌گذارد، ارتباطات انسانی آسیب پذیر می‌شود و تحرک جغرافیایی به اوج خود می‌رسد (پرکان و همکاران، ۱۳۹۹).

نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیر پایبندی به شعائر دینی و نگرش به ازدواج سفید، رابطه‌ی معنادار و منفی وجود دارد. یعنی هرچقدر اعتقادات و باورهای مذهبی در افراد قویتر باشد تمایل و گرایش آنها به انتخاب این سبک از ازدواج کمتر می‌باشد و بالعکس. در پژوهش فروتن (۱۳۹۸) نقش مؤلفه‌های مرتبط با دین و دینداری و تأثیرات آنها بر میزان نگرش مثبت به شکل‌های نوظهور خانواده نیز بررسی شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد میزان نگرش مثبت به شکل‌های نوظهور خانواده به طور چشمگیری از مؤلفه‌های دینداری تأثیر می‌گیرد؛ به طوری که کمترین میزان نگرش مثبت به شکل‌های نوظهور خانواده به کسانی متعلق است که بالاترین سطوح دینداری را دارند. برعکس، هرچه رنگ نگرش دینی کم رنگ‌تر و ضعیف‌تر شود، میزان نگرش مثبت به شکل‌های نوظهور خانواده روند صعودی طی می‌کند. همچنین، بررسی تطبیقی داده‌های پژوهش فروتن (۱۳۹۸) نکته‌ی به مراتب مهمتری را نیز نشان می‌دهد؛ بدین معنا که اگرچه مؤلفه‌های سه گانه ذکر شده (میزان دینداری، نوع حجاب و پوشش زنان در اماکن عمومی) تأثیرات تعیین کننده‌ای بر هر سه شکل نوظهور خانواده یعنی خانواده‌های تک فرزندی و تک والدی و زندگی مشترک بدون ازدواج (ازدواج سفید) دارند، شدت و قوت این تأثیرات بر زندگی مشترک بدون ازدواج به مراتب برجسته‌تر و چشمگیرتر است؛ به طوری که میزان نگرش مثبت به این شکل نوظهور خانواده یعنی زندگی مشترک بدون ازدواج بین افراد با دینداری اندک و ضعیف بیش از سه برابر افراد دارای دینداری در حد خیلی زیاد و قوی است.

با توجه به گسترش فردگرایی، ضریب تاثیر رسانه‌ها جمعی و آگاهی افراد نسبت به محیط پیرامون خود، ازدواج سفید کم کم نفوذش را گسترش می‌دهد. بنابراین با توجه به گسترش روزافزون پدیده‌ی ازدواج سفید، پیشنهاد می‌شود که کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی برای آگاهی از پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی و مضرات و آسیب‌های این رابطه برگزار شود. بنابراین، ضرورت شناخت آسیب‌های روابط و دوستی‌های قبل از ازدواج به شدت حس می‌شود؛ چرا که این پدیده‌ی اجتماعی در بطن جامعه وجود دارد و نمی‌توان منکر آن شد.

بر اساس نتایج پژوهشی به دست آمده پیشنهاد می‌شود که روش کیفی در کنار روش کمی مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا نکات بسیار ریز و مهمی در این تحقیق وجود داشت که به نظر می‌رسد جز با روش‌های عمیقی همانند؛ مشاهده و مصاحبه، قابل دیدن نباشد؛ برای مثال تصویری که پاسخگویان نگرش به ازدواج سفید داشتند، بسیار متفاوت بود. همچنین، مقایسه‌ی دو شهر با دو فرهنگ متفاوت می‌تواند موضوع جالبی در این حوزه باشد؛ زیرا با توجه به امکانات سخت افزاری و تفکر و محیط متفاوت، این پدیده می‌تواند در شهرهای سنتی و غیر سنتی متغیر باشد. چرا که، عوامل اقتصادی تبیین کننده ازدواج سفید، می‌تواند موضوع خوبی برای محققان این حوزه باشد.

مرور پژوهش‌های مختلف حاکی از این است که بر خلاف سال‌های گذشته که نگرش‌های افراد به مسئله ازدواج سفید غالباً منفی بود و افراد نگاه بدبینانه‌ای نسبت به ازدواج سفید داشتند و در واقع به عنوان یک چالش در نظر می‌گرفتند، اما به مرور و با گذشت زمان و فراهم شدن شرایط رفته رفته نگرش‌های افراد نسبت به مسئله ازدواج سفید تغییر پیدا کرد. به گونه‌ای که در حال حاضر شاهد آن هستیم که افراد با نگاه بینابینی به ازدواج سفید می‌نگرند و در واقع ازدواج سفید را نه به عنوان یک چالش بلکه به عنوان یک فرصت و یا پلی به سوی رهایی تلقی می‌کنند. همچنین، یافته‌ها بدست آمده از پژوهش حاکی از این است که بهره‌مندی هرچه بیشتر افراد از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی موجب شکل‌گیری افق‌های تازه و نگرش‌های جدید نسبت به مسائل و موضوعات گوناگون از سوی کنشگران اجتماعی می‌شود.

یکی از این مسائل، مسئله ازدواج سفید است که نتایج این پژوهش نشان داد، پاسخگویانی که در سطح یک جامعه و به طور خاص شهر سوسنگرد نگرشی بینابین و مثبت و افق جدیدتری نسبت به ازدواج سفید داشتند در واقع افرادی بودند که از بیشترین سرمایه اجتماعی و فرهنگی در سطح شهر برخوردار بودند. بنابراین در راستای نتایج ذکر شده، پیشنهاد می شود، نقش سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در نوع نگرش‌های افراد نسبت به مسئله ازدواج سفید در کلان شهرهای ایران مورد مطالعه قرار گیرد. چرا که جامعه آماری پژوهش، یک جامعه نیمه سنتی و کاملاً قومیتی در جنوب استان خوزستان بوده است.

الف: منابع فارسی

آقایی، مجید (۱۳۹۸). واکاوی جرم شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه شناختی. پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده. (۱۶): ۱۴۵-۱۱۳.

باومن، زیگمونت (۱۳۹۲). عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی. ترجمه عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس. بحرانی، محمود (۱۳۸۴). بررسی نگرش دانش آموزان متوسطه پیرامون ازدواج و مقایسه آن با نمونه‌ی مورد مطالعه در سال ۵۳. پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره‌ی ۱۹.

بوردیو، پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه‌ی مرتضی مردیها. تهران، انتشارات نقش و نگار. بوردیو، پیر (۱۳۸۴). شکل‌های سرمایه، در سرمایه‌ی اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه گردآوری کیان تاجبخش، ترجمه-ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.

پرکان، اکبر، حلاج زاده، هدا و غلامی، محمدرضا (۱۳۹۹). بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به طلاق در بین افراد ۲۱-۵۰ ساله ساکن شهر کرمان. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. تافر، اولین (۱۳۷۹). شوک آینده. ترجمه‌ی حشمت الله کامرانی. تهران: نشر علم.

تقی‌پور، فرزانه (۱۳۹۴). مطالعه‌ی جامعه شناختی نگرش دانشجویان دانشگاه خوارزمی نسبت به پدیده‌ی ازدواج سفید. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه خوارزمی. دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.

خلج آبادی فراهانی، فریده و امیرهوشنگ، مهریار (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. فصلنامه‌ی خانواده پژوهی. (۲۴): ۶۸-۴۴۹.

دواس. دی ای (۱۳۹۰). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نی، چاپ سیزدهم. رایبنگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۹۳). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه‌ی صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷). آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه شناسی کاربردی تهران، شرکت سهامی انتشار. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۰). توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب. اسلامی و مسایل اجتماعی ایران تهران: شرکت سهامی انتشار.

رمضانی‌فر، حدیثه و آدیش، محمدعلی (۱۳۹۷). مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی افراد در مورد ازدواج سفید در ایران (مطالعه‌ی کیفی جوانان شهرستان گیلان). فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی. (۱): ۲۱۷-۱۹۵.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. ساروخانی، باقر و صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۸۸). شکاف نسلی در خانواده‌ی ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها. پژوهش نامه علوم اجتماعی. (۴): ۳۱-۷.

سفیری، خدیجه، آراسته، راضیه و موسوی، مرضیه (۱۳۸۹). تبیین رابطه‌ی میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده. زن در توسعه و سیاست. ۱: ۷-۳۰.

سهراب‌زاده، مهران.، نوروزی، میلاد. و عسکری کویری، اسماء (۱۳۹۶). ازدواج سفید؛ انگیزه‌ها و زمینه‌ها. فصلنامه جامعه شناسی سبک زندگی. ۳(۹): ۲۴۹-۱۸۹.

شکرکن، حسین (۱۳۸۶). رابطه‌ی بین نگرش و رفتار. مرکز اطلاعات علمی (مجازی). شماره ۱.

صفری، سعید (۱۳۹۴). مطالعه تجربیه‌ی زیسته‌ی زوجین تشکیل دهنده‌ی ازدواج سفید در تهران با روش نظریه‌ی زمینه‌ای. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.

فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۱). خانواده و زندگی شهری. تهران، تیسرا.

فروتن، یعقوب (۱۳۹۸). نگرش جمعیت شناختی و اجتماعی به شکل‌های نوظهور خانواده در ایران. جامعه شناسی کاربردی.

فرهمند، مهناز.، جواهرچیان، ندا. و هاتفی‌راد، ندا. (۱۳۹۳). جهانی شدن و بازاندیشی تعاملات (جنسی) مورد مطالعه جوانان شهر یزد. فصلنامه‌ی راهبردی سیاستگذاری عمومی. ۵(۱۵): ۲۰۴-۱۷۵.

قاسمی، وحید، اسماعیلی، رضا، و ربیعی، کامران (۱۳۸۵). سطح بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه. ۶(۲۳): ۲۴۸-۲۲۵.

قدوسی، سمیه و بیات، فرنگیس (۱۳۹۳). ازدواج سفید: درد یا درمان، زنان امروز. ماهنامه زنان امروز. ۱(۵): ۱۲-۱.

گلچین، مسعود و صفری، سعید (۱۳۹۶). کلان شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرایند، و پیامدهای هم خانگی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۳۷: ۵۷ - ۲۹.

گیدنز، آتونی (۱۳۸۵). تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه‌ی ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

منادی، مرتضی (۱۳۸۳). تأثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت از زندگی زناشویی از دیدگاه زنان. مطالعات زنان. ۴: ۵-۴۰.

موحد، مجید و عباسی شوازی، محمد تقی (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه‌ی روابط بین شخصی دوجنس پیش از ازدواج، مطالعات زنان. ۴(۱): ۷۴-۹۹.

مینویی، زهرا (۱۳۹۳). بررسی ابعاد حقوقی ازدواج سفید. زنان امروز. ۱(۵): ۱۸-۱۹.

نقی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر نگرش افراد نسبت به تعدد زوجات. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، دانشکده‌ی علوم انسانی.

وهابی‌زاده، خدیجه (۱۳۹۶). تأثیر سرمایه فرهنگی بر نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س).

یاری، فریدون، کشاورزی، فاطمه و رسولی، علی. (۱۳۹۴). نقش باورهای فراشناختی و نگرش به روابط قبل از ازدواج در پیش بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان. فصلنامه‌ی پژوهش در سلامت روانشناختی. ۹(۲): ۳۳-۲۵.

ب: منبع لاتین

- Bauman, Z. (2005). *Liquid Life*. Cambridge: Polity Press.
- Beinaroviča, O. (2013). The historical development of regulation of non-marital cohabitation of heterosexual couples and its effect on the creation of modern family law in Europe, Department of European and International law, Faculty of Law, University of Latvia.
- Castells, Manuel (2005). *Network Society: From Knowledge to Policy*, in Manuel Castells and Gustavo Cardoso, *Network Society: From Knowledge to Policy*, Washington, DC: Johns Hopkins Center for Transatlantic Relations.

- Coast, E. (2009). *Currently cohabiting: Relationship attitudes, expectations and outcomes*. Springer Netherlands. 105-125.
- Copen, C.E., Daniels, K., and Mosher, W.D. (2013). First premarital cohabitation in the United States: 2006–2010 national survey of family growth. *National health statistics reports*. 64(64): 1-15.
- Ghani, S., Abdolla, S., Sharifah, M. and Nordin, N. (2014). Muslim Adults Moral Value and Coping Strategy among Muslim Femal Adolescent in Premarital Sex. *Pracedia-Social and Behaviorial Sciences*. 114: 427-433.
- Gue, W., Wu, Z., Qiu, Y., Chen, G. and Zhang, X (2012). The Timing of Sexual Amokg Chinese Youth. *International Perspective on Sexual and Reproductive Health*. 38: 196- 204.
- Hiekel, N. and Fulda, B. E. (2018). Love. Break up. Repeat: The prevalence and stability of serial cohabitation among West German women and men born in the early 1970s. *Demographic Research*. 39(30): 855–870.
- <http://www.worldfamilymap.org/2013/articles/world-family-indicators/family-structure>.
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Mariage-blanc>
- Krech, D., Crutchfield, R.S. and Ballachey, E.L. (1962). *Individual in society*. New York, McGraw-Hill.
- Marvin E., Shaw and Philip R., Costanzo (1982). *Theories of social psychology*. New York, McGraw-Hill.
- Mashau, T.D. (2011). Cohabitation and premarital sex amongst Christian youth in South Africa today: A missional reflection. *HTS Theological Studies*. 67(2): 1-7.
- McCafferty, T. (2011). *Reasons for cohabitation and relationship quality across the transition*. A Senior Honor Thesis, the Ohio State University.
- National healthy marriage resource center (2007). *Attitudes toward cohabitation*, National healthy marriage resource center.
- Nazio, T. (2008). *Cohabitation, Family and Society*. Routledge.
- Pollard Michael, S. and Harris, K.M. (2013). Cohabitation and marriage intensity: consolidation, intimacy, and commitment. *RAND Labor and Population*. 1-24.
- Popenoe, D. (2008). Cohabitation, Marriage and Child Wellbeing. *Marriage*. 732: 445-7922.
- Putnam, R. (2000). *Bowling alone- the collapse and revival of American community*. New York: simon and Schuster .www.nita-writer.wordpress.com
- Raphione (2008). *White marriage*, urban dictionary, Retrieved March 13, 2014, from. <http://www.urbandictionary.com/define.php?term=White+Marriage>
- Roig, E. (2014). *Mariage blan, droit-finances*. Retrieved juandry.
- Rosenfeld, M.J. and Roesler, K. (2019). Cohabitation experience and cohabitation's association with marital dissolution. *Journal of Marriage and Family*. 81(1): 42–58.
- Scott, Mindy (2009). *Young Adult Attitudes About Relationships and Marriage: Times May Have Changed. but Expectations Remain High*, Child Trend.
- World family map: <http://worldfamilymap.ifstudies.org/2015/e-ppendix/figure4>.

Sociological investigation of the factors affecting young people's attitude towards cohabitation

Abstract

The Young people are considered as the human capital of the society and it is very important to know their situation cohabitation is one of the issues observed among young people in the last decade. The main goal of this research is sociological analysis of young people's view of cohabitation. The survey research method and the statistical population included young people aged 20 - 35 in Sosangard city. The sample size was calculated using Morgan and Georji's formula of 384 people and the sample was selected using a multi-stage cluster method according to the sample size. The researcher made a

questionnaire as a data collection tool. The results of the multivariate analysis of the research showed that social capital, cultural capital, religiosity and background variables were related to the variable of attitude towards cohabitation, so that the higher the cultural and social capital of people, the more positive attitude they have towards They were white for marriage. Also, there was a significant and negative relationship between the level of adherence to religious rites and young people's attitude towards cohabitation, and the more people adhere to religious beliefs and beliefs, the more negative they had towards cohabitation. The variables of education, gender and marital status have a significant relationship with the attitude towards cohabitation; Male respondents, single people and young people with higher educational qualifications had a positive attitude towards cohabitation. The results of structural equations (PLS) showed that in the regression equation, 3.35% of the variance of the dependent variable was explained by the independent variables.

Key words: cohabitation, youth, cultural and social capital, religiosity, attitude.